

پاسخ به آقای دکتر خسرو خزاعی پردیس^۱

امیرفیض- حقوقدان

ایران یارگرانی جناب آقای دکتر خسرو خزاعی پردیس

مفتخرم که بادانشمند بزرگی آشنا و طرف مکاتبه قرار گرفته ام.

پس از آگاهی از درجات علمی و پژوهشی حضرتعالی که ارزانی فرمودید، احساس کوچکی و جسارت شد که عرض پاسخ شود.

چه باشد پشه مسکین که آنجا در شمار آید

چو عنقا پروبال خود برای جلوه بگشاید

ولی به مصداق اینکه عقابها به گنجشکها هم اجازه پرواز میدهند مباحی به عرض پاسخ می‌شوم.

خوشوقتم گناه بنده را بخشیده اید که چون پرونده را ندیده ام نتیجه گیری غلط کرده ام.

ولی از اینکه ادعا شده بنده کوشیده ام تا عده ای که از سایه خودشان هم می‌ترسند دل‌سرد کنم متاسفم. خاصه که میدان ادعا و اتهام نا وارد خود را محدود هم نساخته اید.

درخواست حضرتعالی به امضا و تانید دادخواست علیه موزه لوور محدود به یک دادخواست و یک ضمیمه میباشد نه پرونده ای که حضرتعالی به آن اشاره فرموده اید مگر از همه کسانی که خواسته اید دادخواست را امضا کنند، پرونده را دیده و از سوابق مطلعند؟

دادخواست، گویای جریان و پرونده است یعنی هرچه در پرونده خواهان هست در دادخواست هم هست.

ولی هنگامی که دادخواست به جریان افتاد، دادخواست تحت الشعاع پرونده که حاوی مدافعات و تصمیمات است قرار می‌گیرد

بنابراین مقتضا و مستند اظهار نظر اینجانب دادخواست بوده و بین داوری و اظهار نظر هم تفاوت بسیار است، و همچنین بین اظهار نظر و تودهنی زدن. (تاسی به اهانت های خمینی، از حضرتعالی بعید و ملتهب کننده است)

وقتی کسی تقاضای امضای کسی را دارد موظف است رفع ابهام و تردید امضاکننده را بنماید زیرا امضا در میدان علم به موضوع و رضایت معتبر است. و اگر امضاکننده به پیشرفت درخواست متقاضی امضا علاقمند باشد اشکالات آنرا برسم خیرخواهی در میان میگذارد، و این درست همان کاری است که بنده علاقمند به موفقیت طرح انجام دادم؛ حیرت کردم که از درک درست آن غفلت شده است.

در حد بضاعت حقوقی، این برداشت را عرضه کردم که دادخواست به دادگاه برای رفع تظلم و احقاق حق داده میشود و اگر جنبه کیفری داشته باشد به محکمه کیفر و اگر جنبه حقوقی داشته باشد به دادگاه حقوقی ارسال میشود و دادخواست مورد بحث بمناسبت اینکه اتهام کلاهبرداری و رشوه و دزدی بیشرمانه دارد در صلاحیت دادگاه کیفری و اثبات آن بر عهده خواهان، یعنی حضرتعالی است، آنچه عرض شد باهدف تجدید نظر و رفع موضعی بود که تحقق هدف مقید در دادخواست را معلق میساخت ولی اکنون که اعلام داشته اید حبه پیچ و خمهای سیستم های اروپایی از نزدیک آشنائی دارید الی آخر..... < با آنکه نفهمیدم که پیچ و خم های سیستم های اروپایی چیست که حضرتعالی بر آن تبحر دارید آنهم از نزدیک، معهدا نظر معروضه راهمراه باعذرخواهی مسترد میدارم

^۱ - نامه آقای خسرو خزاعی پردیس در پایان و آخر این نوشته جهت آگاهی گنجانده شده است. ح-ک

اینکه اظهارخرسندی کرده اید که «موزه لوور این دعوا را به دادگاه بکشد» این شما هستید که بعنوان خواهان موضوع را با تقدیم دادخواست به دادگاه میبرید نه موزه لوور که آنرا خوانده است.

نوشته اید «هدف اصلی شما محکوم کردن موزه لوور نیست، بیدار کردن وجدان ایرانیان است برای نگهداری از هویت ایرانی خود»

اجازه فرمائید بیشتر از بیشتر با تاسف و تحیر همراه شویم که چگونه نیت و هدف دادخواست محکوم کردن موزه نیست و چیز دیگری است که در دادخواست به آن اشاره نشده و در پاسخ به اینجانب که تصور میکرد دادخواست و طرح از اصالت و روشنی برخوردار است، آشکار شد که هدف اصلی بغیر از چیزی است که در دادخواست منظور شده است.

این تعارض ویا پنهان کاری اعتماد پیروان طرح را علیل میسازد چنانکه بر بنده هموطن هم معلوم نیست که بیداری وجدان ایرانیان که بعنوان هدف اصلی عنوان شده چند صباحی در مقام خواهد بود و هدف اصلی از طرح و دادخواست چیز دیگری است که نامعلوم است.

انتظار طبیعی و عاداتی مردم چنین است که مکتوب، بامفهوم و باحقیقت قصد و نیت کاتب و یا متقاضی هماهنگ است. کوچکترین شک و تردید، وحشت و بی اعتمادی را همراه با فریب و ظاهرسازی قائم به حضور میسازد، و این مشکلی است که اثرات آن در فعالیت های مبارزاتی و بیانیه ها و منشورها بوضوح مشهود است، در این روزهای وانفسا که سنگ بی اعتمادی و بی اعتباری و فریب و تظاهر از هر سو بر فعالیت های ایرانیان میبارد انتظار نبود و نیست طرحی که بنا بر اظهار ۸۰۰ نفر دست اندر کار تهیه آن بوده هستند این چنین آغشته به بی اعتمادی و پنهان کاری باشد.

آنجا که نوشته اید «میتوانیم به آسانی ثابت کنیم که.....» علامت آن است که به دادگاه ثابت خواهید کرد که موزه لوور مرتکب اشتباه و یا خلاف شده است با این صراحت چگونه میفرمائید که هدف اصلی محکوم کردن موزه لوور نیست؟ برای بیدار کردن وجدان ایرانیان! (این خود ناچیز دانستن وجدان عموم ایرانیان است).

باین مردمی که به باور حضرتعالی با وجدانی خواب و خموده از سایه خودشان هم میترسند چگونه به جنگ هویت اسلامی غاصب هویت ایرانی میتوان رفت؟

هویت ایرانی

مهمترین فازی که مشوق ارادتمند در عرض مطالب شد مسنله دفاع از هویت ایرانی در مقابل تهاجم هویت اسلامی است.

در دادخواست و ضمیمه آن، استواری عقیده در عدم اصالت عنوان اسلامی به هویت ایرانی کامل مشهود و ملحوظ است ولی ناگفته مانده که هویت ایرانی اگر اسلامی نیست پس چیست چرا که اصل «تبرا و تبری» لازم میسازد در مقابل عدم حقیقت و جعلیت برچسب اسلامی، هویت اصیل ایرانی معرفی و جایگاه تعارضی آن مشهود گردد.

از آنجا که هویت، مجموعه ای از زبان و ادبیات و تاریخ و فرهنگ ملتهاست و از آنجا که رکن اصلی در هویت ما ایرانیان شاه و شاهنشاهی است و این منظومه تاریخی و فرهنگی در شاهنامه فردوسی به تفسیر و تبیین آمده است و یکی از مستندات دادخواست و طرح شما علیه موزه لوور نیز همان شاهنامه فردوسی است.

لذا جادارد که در این فرصت مناسب و غنیمت استثنائی هویت ایرانی که شاهنشاهی است نیز در جایگاه تاریخی خود قرار و معرفی گردد تا فروع تجلی بخش تاریخی و حیات ابدی آن مسیر حرکت طرح را منور سازد.

میدانم که بکار سیاسی تمایلی ندارید و این بی میلی بر طرح شما نیز سایه دارد ولی دفاع از هویت، شرط پذیر نیست.

با احترام و آرزوی موفقیت امیرفیض

آقای ح.ک خواهش میکنم با همان تیراژی که نامه آقای امیر فیض را پخش کردید این پاسخ به ایشان را هم پخش کنید. سپاسگزارم



کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت

انجمن فرهنگی، خردگرا و آزاد اندیش

European Centre for Zoroastrian Studies

جناب آقای امیر فیض با درود فراوان،

پیش از هر چیز از زحماتی که برای چند گوشزد در مورد دادخواست ما از کلاهدرداری موزه لوور در پاریس در رابطه با نامگذاری هنر و فرهنگ ایران با برجسب عرب و اسلامی کشیده اید سپاسگزارم.

پیش از اینکه پاسخی به نامه شما بدهم اجازه دهید خودم را معرفی میکنم تا روشن شود که من بدون پژوهش کاری را انجام نمیدهم. این معرفی نه به قصد خود نمائی است و نه برای استخدام درجائی میباشد. تنها برای آشنائی شما با نویسنده این نامه و کوشنده دادخواست (پتیشن) است.

رشته من تاریخ تمدن، باستانشناسی و زبان شناسی میباشد و سی و پنج سال است که در این زمینه مشغول بکارم. تمام تحصیلات دانشگاهی من و روند کاری من در اروپا بوده (جز چند ماهی که در سال ۱۹۷۸ یعنی هشت ماه پیش از آمدن خمینی به ایران رفتم و در دانشگاه پهلوی شیراز برای تدریس استخدام شدم و روز آمدن خمینی به ایران از دانشگاه استعفا کردم و به اروپا برگشتم). از سی و سه سال گذشته تا کنون در بیشتر آموزشگاهها و موسسه های فرهنگی و هنری اروپا کار کرده ام. از جمله در موزه لوور، بریتیش میوزیم، موزه باستانشناسی بروکسل و انستیتو پادشاهی هنر و فرهنگ بلژیک در بروکسل و در جوار آنها در دانشگاههای گوناگون تدریس کرده ام.

در این رابطه، نه کتاب به زبان فرانسه نوشته ام که از این میان کتاب پنج هزار سال تاریخ و تحول خط و کتاب از سومر تا بابل هر کدام یکی هشت بار و دیگری هفت بار در مدت شش ماه تجدید چاپ شد و به زبان هلندی هم ترجمه شدند. سال گذشته هم بزرگترین ناشر فرانسوی «آلین میشل» کتاب گاتهای زرتشت را که چند سال پیش به پارسی نوشته بودم و دکتر کوپائی در آمریکا زحمت کشید و آنرا به انگلیسی ترجمه کرد در صد هزار نسخه به فرانسه ترجمه و چاپ کرد

این معرفی نامه دراز برای این بود که بگویم من به پیچ و خم های سیستم های اروپائی بویژه فرهنگی آن از نزدیک آشنائی دارم و اگر واژه کلاه برداری را در دادخواست نامه بکار بردم برای این است که دقیقاً این یک کلاه برداری است چون نه از دیدگاه «حقوقی»، نه فرهنگی، نه علمی و نه اخلاقی واژه

دیگری را نمیشود برای آن بکار برد. افزون بر این در میان نزدیک به ۸۰۰ نفر هموند کانون ما در بروکسل

(که چهل در صد آنها اروپائی میباشند) سه نفر حقوقدان ورزیده فرانسوی داریم و اگر نیازی بود میتوانیم از آنها بهره بگیریم.

برخلاف تصور شما بزرگترین پیروزی و شادمانی ما زمانی خواهد بود که موزه لوور این دعوا را به دادگاه ببرد چون در این زمان است که میتوانیم بزرگترین سود تبلیغاتی را از این کار ببریم و به دنیا اعلام کنیم که ایرانی هویت اسلامی ندارد و هیچگاه نخواهد داشت حتی اگر دولتش اسلامی باشد. ولی او اینکار را نخواهد کرد چون میترسد که بوی بد آن بیشتر در آید و رسانه ها در این زمینه بیشتر کنجکاو شوند.

جناب امیر فیض، با اینکه من شما را بعنوان یک مبارز دیرینه میشناسم و از این دیدگاه برای شما احترام قائلم ولی باید بگویم که شما در نامه خود هم در مورد هدف ما از این دادخواست اشتباه کرده اید و هم در مورد حقانیت دعوای ما. البته گناهی هم متوجه شما نیست چون یا در جریان کارهای ما نیستید یا پرونده را بطور کامل ندیده اید.

حتما میدانید که نخستین وظیفه یک « حقوقدان » پیش از اینکه در باره یک پرونده یا یک دعوا داوری و قضاوت کند شناخت کامل آن پرونده است. در اینجا روشن است که شما کوچکترین شناخت و آگاهی از این پرونده ندارید و با نتیجه گیری غلطی که از آن کرده اید کوشیده اید تا عده ای را که از سایه خودشان هم میترسند دلسرد کنید. این نوع داوری نه شایسته یک حقوقدان است و نه یک مبارز سیاسی. این یک توهینی است به عقل شعور ایرانیان که فکر میکنند همه چیز را بدون پژوهش و بررسی لازم میتوان به خورد آنها داد !

بد بختانه ما هنوز درمانی برای این بیماری مزمن و واگیر که « خودشیفتگی » نام دارد و پس از انقلاب اسلامی دامن بسیاری از کوشندگان سیاسی را گرفته پیدا نکرده ایم. نتیجه این بیماری یک « خود خرابی » اندوه باری است که در سطح گسترده ای روزانه شاهد آن هستیم.

هدف و دعوای ما با لوور برای چیست ؟

آرمان نخستین ما محکوم کردن موزه لوور نیست. هدف اصلی ما بیدار کردن وجدان ایرانیان است که برای نگرهبانی از هویت ایرانی خود وارد گود شوند و به دنیا بگویند هویت ما اسلامی نیست. این یک تمرین بزرگ میهنی است تا این پیام شکوهمند را بگوش مردم جهان برسانند. در این رابطه کاری را که موزه لوور کرد یک هدیه آسمانی بود که به دست ما افتاد. پس باید دودستی به این هدیه بچسبیم و بزرگترین بهره ها را از آن ببریم.

در آینده از این نوع کارها، در صورت پیش آمدن دوباره موقعیت، باز در سطح های گسترده تری تکرار خواهد شد.

ما میتوانیم به آسانی ثابت کنیم که برچسب اسلامی زدن به بزرگان فرهنگ و هنر ایران چه از دیدگاه اخلاقی، چه از دیدگاه حقوقی و چه از دیدگاه علمی کاملاً بی پایه و اساس است.

چون واژه « هنر اسلامی » واژه ای است که در میانه سده بیستم در غرب به گونه ای مصنوعی خلق شد و هیچ پایه و اساس علمی ندارد. بهمین دلیل است که نامیدن هنرهای اروپائی رونسانس ، نئوکلاسیک، رئالیست، امپرسیونیست، اکسپرسیونیست، کوبیزم و کتابهای شاعران و فیلسوفان اروپائی چون شکسپیر، مولیر، ولتر، بودلر، گوته، نیچه، کارل مارکس... و غیره را « هنر مسیحیت » نامیدن نه تنها اساس علمی و « حقوقی » ندارد بلکه مسخره هم هست. آیا موزه لوور یک « موزه دینی » است یا یک موزه هنری؟ اگر موزه هنری و فرهنگی است پس چرا در مورد اسلام به موزه دینی تبدیل میشود؟!

در مورد پولی که عربها برای این دزدی بی شرمانه به لوور پرداخته اند نیاز به ثابت کردن نیست چون این کار در جلوی دور بین تلویزیونها و با حضور خبرنگاران ، مسئولین لوور و سفرای عرب انجام گرفت و مقدار آن که بعنوان « دهش » پرداخت شده دقیقاً روشن نیست ولی دست اندر کاران آنرا نوزده میلیون یورو تخمین زده اند.

شاد و تندرست و بیروز با شید

خسرو خزاعی پردیس

۶ دسامبر ۲۰۱۲